

سردار جنگل

توی کتاب من نوشته:
یک پهلوان، یل بوده‌ای، خان!
نام تو کوچک بوده اما
سردار جنگل بوده‌ای، خان!

وقتی که دشمن آمد ایران
اصلاً به آن‌ها رو ندادی
تو از سر جنگل به آن‌ها
یک برگ سبز مو ندادی

در برف و بوران ماندی اقا
سر پیش دشمن خم نکردی
از کربلا حتماً گرفتی
درس شجاعت، درس مردی

با دادن سر، آخر کار
نیرنگ را شرمندہ کردی
یاد حسین بن علی (ع) را
در قلب جنگل زنده کردی

● سمیه بابایی

نیروی دریایی

دیروز روی آب‌ها بودیم
دریا پر از موج و پر از کف بود
با قایقش آقای قایقران
ما را جلوتر برد زود زود

یک‌دفعه یک کشتی به چشم خورد
گفتم به بابا اسم کشتی چیست؟
بابا که آن را دید فوری گفت:
کشتی نیروهای دریایی است

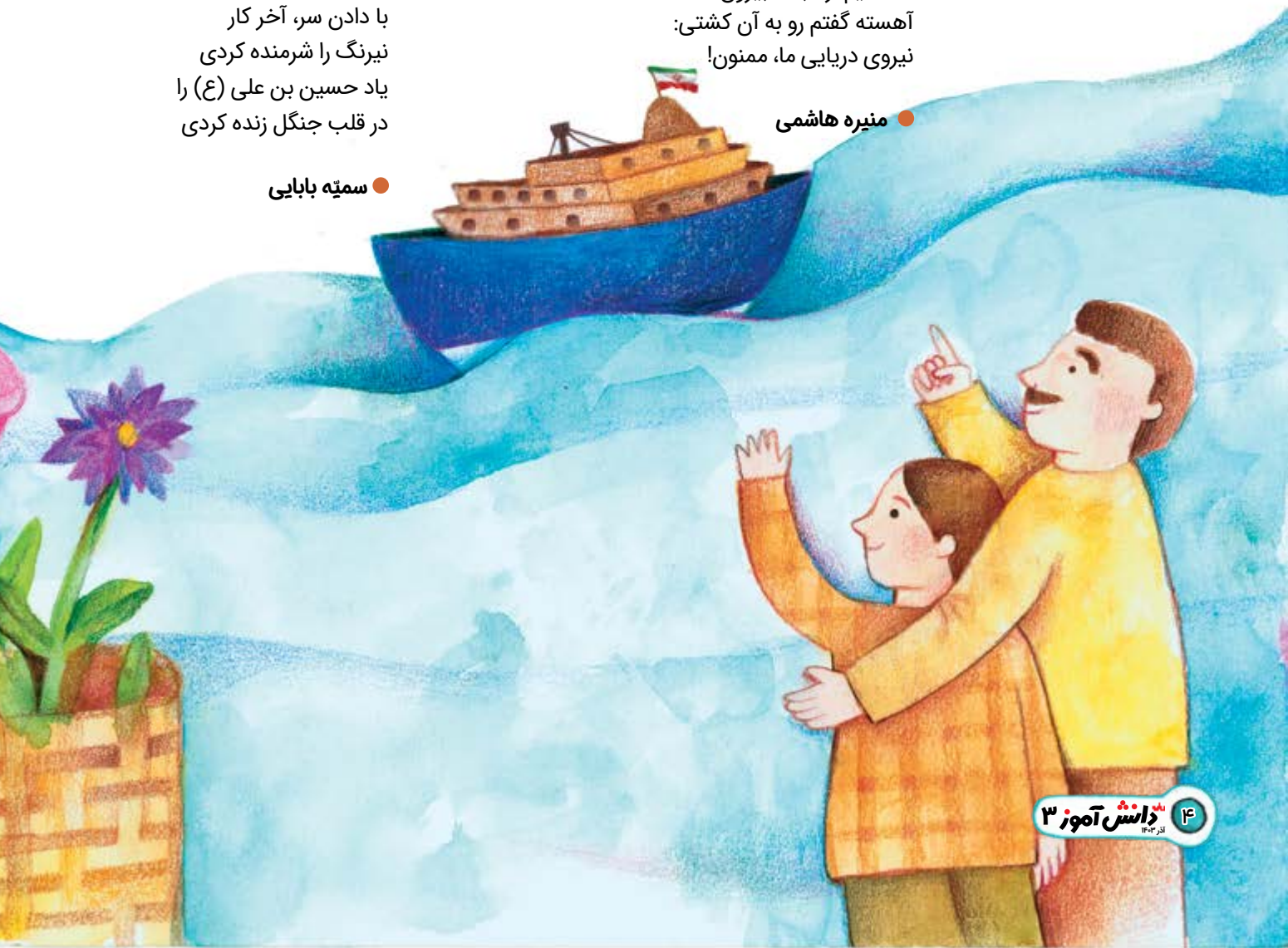
او گفت: این کشتی پر از شیر است
دریای ما امن است با آن‌ها
با دیدن نیروی دریایی
دشمن نمی‌آید به سمت ما

گشتیم در دریای امن آن روز
تا آمدیم از آب‌ها بیرون
آهسته گفتم رو به آن کشتی:
نیروی دریایی ما، ممنون!

● منیره هاشمی



● تصویرگر: زهرا دفنوک



یک شاخه مریم

بابای من داوودی است
من مریمم، زَر مادرم
یک دوست دارم نرگس است
ارکیده جان هم خواهرم
ارکیده با من قهر بود
اما دلش طاقت نداشت
آمد کنار تخت من
یک شاخه‌ی مریم گذاشت

● زهره باقری

شوش

نوروز شد، رفتیم
دشت چغازنبیل
اطراف شهر شوش
همراه با فامیل

یک معبد خشتی
دیدیم در آنجا
مانند زنبیلی
وارونه و زیبا

آن معبد خالی
از جنس آجر بود
زنبیل وارونه
از داستان پر بود

خیلی قدیمی است
این سازه در ایران
آثار او باقی است
در قلب خوزستان

● زهرا شفیعی ینگابادی

بوته‌ی توپ

چه جالب! برگ‌هایت
به یک اندازه هستند
چروک و گُرک دارند
قشنگ و تازه هستند

تمام ساقه‌هایت
بلند و تاب دارند
همیشه توپ‌هایت
درشت و آب دارند

چطور ای بوته‌ی سبز
بدون کارخانه
سه تا محصول داری
به نام هندوانه؟

● مرضیه رشیدی

